

مکتب انتخاب عمومی

نویسنده: گوردون تولاک

ترجمه: دکتر سیدحسین میرجلیلی

(استادیار پژوهشکده اقتصاد - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

در قرون هجدهم و نوزدهم میلادی برخی ریاضیدانان مانند (کندورسه^۱، بوردا^۲، لاپلاس^۳ و لوویس کارول^۴) به ریاضیات فرایند رای گیری علاقمند شدند؛ اقدام آنها فراموش شد تا اینکه دانکن بلک^۵ آن را دوباره کشف کرد^۶.

بلک را می توان پدر (مکتب) انتخاب عمومی مدرن نامید. به طور کلی استفاده از ابزارهای اقتصادی برای پرداختن به مسائل سنتی علم سیاست است. از جهت تاریخی، علم اقتصاد (اقتصاد سیاسی) به میزان بسیار زیادی با انتخاب سیاست های دولت درباره موضوعات اقتصادی ارتباط دارد. موضوع این که آیا تعرفه های حمایتی اقداماتی مناسب هستند یا نه؟ موضوعی ویژه برای اقتصاد سنتی بود و در بررسی این پرسش، البته پیش بینی شده بود دولت به طور کل در تلاش برای ایجاد رفاه بیشتر جامعه است.

تنها موضوع عجیب درباره مطالب یاد شده این است که در علم اقتصاد یاد علم سیاست این مطالب به طور سنتی متداول و پذیرفته شده نبوده اند. نویسندگانی که از آنها دفاع کرده اند، مانند ماکیاولی^{۱۲} در بخش هایی از کتاب "شهریار"^{۱۳} به عنوان فردی شناسایی شده است که از جهت اخلاقی سوءظن دارد و گرایش دارد مثال های بد را مطرح کند بجای اینکه تحلیل گر عمیقی باشد. (مکتب) انتخاب عمومی این را تغییر داد، اما حتی مهم تر از آن با استفاده از الگویی که در آن رأی دهندگان، سیاستمداران و بروکرها فرض شده است بیشتر در پی نفع شخصی هستند، امکان پذیر می شود ابزارهای تحلیلی به کار ببریم که از روش شناسی اقتصادی به دست آمده اند. در نتیجه، الگوهای به نسبت دقیقی به وجود آمدند که می تواند با همان نوع از روش های آماری که در علم اقتصاد استفاده شده اند آزمون شود، هر چند داده های آنها از حوزه سیاسی به دست آمده اند. نتیجه عبارت است از یک نظریه جدید علم سیاست که دقیق تر، واقعی تر و بهتر آزمون شده در مقایسه با مطالب پذیرفته شده قدیمی علم سیاست است. در حالی که روند گسترش نظریه انتخاب عمومی، مثبت بوده است (در جهت فهم سیاست بوده است) اما از همان ابتدا نظریه انتخاب عمومی یک جزء هنجاری (نورماتیو) قوی نیز داشته است. دانشجویان انتخاب عمومی ممکن است این نظر مارکس را تا بخوانند تغییر دهند که: "مسئله عبارت است از فهم جهان به گونه ای که می توانیم آن را بهبود ببخشیم." بنابراین طرح روش هایی بهبود یافته دولتی مبتنی بر اطلاعات مثبت درباره اینکه چگونه دولت ها در عمل فعالیت می کنند یک بخش مهم از کار انتخاب عمومی بوده است و معمولاً به آن به عنوان نظریه ساخت ها^{۱۴}

ما انتظار نداریم که صاحبان مشاغل خصوصی، زمان بیشتری برای حداکثر سازی نفع عمومی قائل شوند. هر چند آنها برخی اقدامات برای کمک به فقرا انجام خواهند داد و رفاه عمومی را افزایش می دهند، فرض می کنیم که به طور کلی آنها دغدغه سودجویی به خودشان را دارند. به طور سنتی اقتصاددانان این نگرش را در مورد مقامات رسمی دولت اتخاذ نکرده اند، اما نظریه (مکتب) انتخاب عمومی چنین نگرشی دارد. برای ساده سازی موضوع، رأی دهنده به عنوان یک مشتری و سیاستمدار به عنوان یک بازرگان کارآفرین^۷ در نظر گرفته می شود. فرض می شود بروکراسی جنرال موتورز^۸ تلاش می کند اتومبیل های به نسبت مناسب طراحی کند و بفروشد، زیرا از این طریق است که افزایش پرداخت ها و پیشرفت شرکت تضمین می شود. به طور مشابه ما فرض می کنیم که بروکراسی دولت بیشتر تلاش می کند تا سیاست هایی را اعمال کند که از دیدگاه افراد بالاتر از آنها مناسب باشد زیرا به این طریق است که پیشرفت و افزایش پرداخت آنها تضمین می شود.

البته در همه این موارد، فرد احتمال دارد دست کم تمایلی برای فداکاری به جهت مصلحت عمومی^۹ داشته باشد صاحبان مشاغل

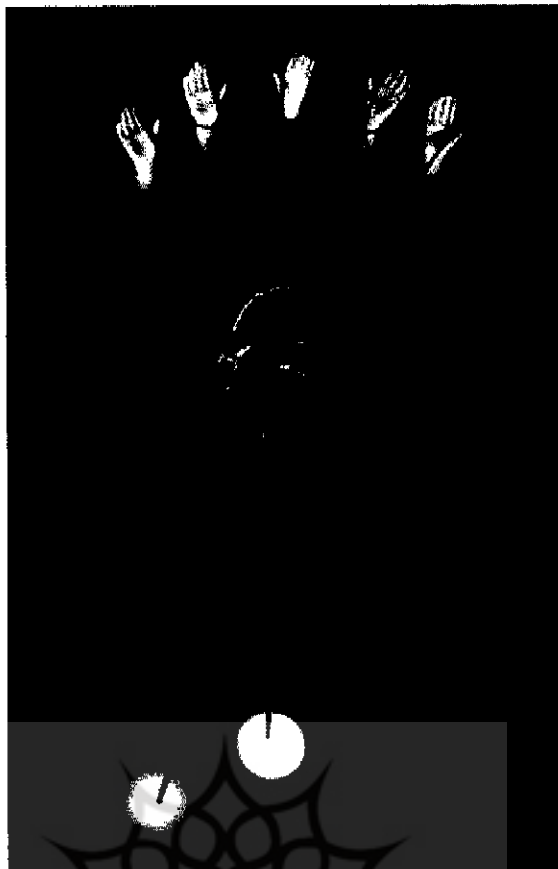
ارجاع داده می‌شود.

پیش از بررسی این موضوع، ضرورت دارد تا به طور خلاصه فهرست مطالب مربوط با اکتشافات در چهار زمینه عمومی را مطرح کنیم: رای‌دهندگان، سیاست‌مداران، فرایند رای‌گیری که رای‌دهندگان را به سیاست‌مداران مرتبط می‌سازد و نظریه بروکراسی.

رای‌دهندگان^{۱۵}: یکی از نخستین اکتشافات نظریه جدید انتخاب عمومی آن بود که یک رای‌دهنده عقلانی خود را به دردمس نمی‌اندازد تا با رای‌هایی که می‌دهد آگاهی کافی کسب کند. دلیل آن به‌سادگی این است که اثر رای او بر رفاهش بسیار اندک است^{۱۶}. در ظاهر رای‌دهندگان همواره این موضوع را می‌دانستند، زیرا مطالعات تجربی مربوط به آگاهی رای‌دهندگان نشان داد که رای‌دهندگان به‌طور کامل ناآگاهند، اما این یافته نشان‌دهنده

واقعیتی برای استادان قدیمی علم سیاست بود علاوه بر آن، این بی‌اطلاعی عمومی رای‌دهنده، متقارن نیست. رای‌دهنده شاید درباره سود ویژه‌ای که دارد، مطلع است. علاوه بر این گروه‌های ذی‌نفع ویژه که سازماندهی شده‌اند، تلاش خواهند کرد برای جلب نظر رای‌دهنده در چنین زمینه‌هایی تبلیغ کنند بنابراین، رای‌دهنده نه فقط به روش نامناسب مطلع شده است، بلکه اطلاعاتی که او دارد، وی را سوق می‌دهد تا بیشتر در زمینه شغل یا کارفرعی^{۱۷} خودش گرایش یابد. کشاورز احتمال بسیار دارد که دیدگاه‌های کاندیداها را در مورد برنامه‌های کشاورزی بداند و در مورد دیدگاه‌های کاندیداها درباره جنگ هسته‌ای مطلبی نداند می‌توان معتقد بود که حتی درباره برنامه کشاورزی، کشاورز احتمال دارد آگاهی زیادی کسب نکرده باشد، بلکه فقط اطلاعات بهتری به دست آورده است.

البته نباید در این مورد مبالغه کرد. رای‌دهنده به‌سادگی با زندگی و مطالعه رویدادهای جاری در روزنامه‌ها و تلویزیون، حجم معینی از اطلاعات عمومی درباره سیاست را به دست می‌آورد. با وجود این بیشتر آن اطلاعات به‌نظر نمی‌رسد مداوم باشند و در هر رویدادی بسیار متاثر از عوامل متغیر است. باید همچنین تاکید کرد که برخی منافع ویژه رای‌دهنده به معنای واقعی خودخواهانه نیستند. برای مثال در ایالات متحد آمریکا بسیاری از مردم در رای‌شان مورد تاثیر نهادهایی مانند کامون‌کاز^{۱۸} و لیبرتی‌لابی^{۱۹} هستند و به‌طور داوطلبانه به آنها کمک نقدی می‌کنند. به روشنی این اظهار نظری است توسط افرادی که به دولت خوب علاقمند هستند. حتی اگر دو گروه این را به روش متفاوتی، تعریف کنند. با وجود این تردیدی نیست که سود ویژه که به‌خوبی سازماندهی شده باشد، مستعد است تا تاثیر بیشتری بر هر موضوع ویژه داشته باشد در مقایسه با چند رسانه عمومی یا به اصطلاح گروه‌های ذی‌نفع عمومی مانند



کامون‌کاز یا لیبرتی‌لابی، حتی اگر در بلندمدت، با در نظر گرفتن آنچه شخص ممکن است آن را اهمیت عمومی^{۲۰} دولت بنامد، رسانه‌ها بسیار مهم هستند.

سیاستمداران: سیاستمدار شخصی است که شغلی را با انتخاب شدن توسط رای‌دهندگانی که بیشتر توصیف شدند ایجاد کند. علاوه بر آن بسیاری از سیاستمداران خودشان از رای‌دهندگان هستند، اجازه دهید بگوییم اعضای مجلس نمایندگان^{۲۱} هستند. در حالی که در ظرفیت اعضای مجلس نمایندگان، اگرچه این موضوع درست نیست که اطلاعات سیاستمداران به همان بدی^{۲۲} اطلاعات رای‌دهندگان است، یک اثر مشابه هنوز در حال فعالیت است. هر عضو مجلس نمایندگان یا مجلس عوام^{۲۳} که برنامه یک ساعت از هفته‌اش را از مطالعه عمومی موضوعاتی که وی باید رای دهد، بری

خدمت به موکلان خود تغییر می‌دهد، به‌طور معمول فقط به‌طور جزئی کیفیت قانون‌گذاری را کاهش خواهد داد، همچنان که بر رای‌دهندگان نیز اثر می‌گذارد. از سوی دیگر با اختصاص دادن دوباره وقتش، او ممکن است از جهت مادی روابطش را با رای‌دهندگان^{۲۴} (اعضای کالج انتخاباتی) بهبود ببخشد. بنابراین انتظار خواهیم داشت سیاستمداران آگاهی کمتری درباره موضوعات عمومی نسبت به آنچه مورد علاقه است داشته باشند. به روشنی این مثالی از موارد بسیاری است که در آن رفتار سیاستمداران به ضرورت رفتاری نیست که رفاه عمومی را بیشتر سازد. سیاستمداران در کنگره رای می‌دهند و در پی جایگاه عمومی^{۲۵} هستند بر حسب آنچه آنها فکر می‌کنند رای‌دهندگان پاداش خواهند داد، نه بر حسب آنچه آنها فکر می‌کنند که رای‌دهندگان باید پاداش دهند. از آنجا که سیاستمدار می‌داند رای‌دهندگان به او، آگاهی کافی ندارند، این دو دیدگاه می‌تواند به‌طور کلی یا یکدیگر متفاوت باشد. با وجود این، اگر به دموکراسی معتقد باشیم، که به معنای واقعی کلمه به معنای حاکمیت عموم^{۲۶} است. پس دولت باید هر آنچه مردم می‌خواهند انجام دهد و نه آنچه برخی اشخاص عاقل احساس می‌کنند که آنها باید بخواهند. در هر رویدادی برای آنکه یک سناتور بزرگ باشی، باید پیش از هر اقدام یک سناتور باشی.

به روشنی هزینه این نوع رفتار برای عموم به‌طور کامل قابل توجه است و چنین است هنگامی که ما فکر می‌کنیم درباره سرمایه‌گذاری منابع و تاثیر بر دولت که تا میزان قابل توجهی تلف شده است. به هر حال اگر ما مقایسه کنیم دموکراسی‌های کنونی را با دیگر انواع دولت مشاهده می‌کنیم و احتمال ندارد احساس کنیم که دموکراسی‌ها به‌طور چشمگیری کارایی کمتری دارند.

فرایند رای گیری: اکنون به فرایند رای گیری می پردازیم. فرایند رای گیری، عموم مردم را به سیاستمداران و سیاستمداران را با پیامدهای واقعی سیاستها مرتبط می سازد. مردم ناآگاه فکر می کنند رای گیری به طور کلی موضوعی جزئی و متفرقه است که طی آن شما به سادگی آراء را می شمارید. با تاعسف این موضوع در این مقاله بررسی نمی شود حتی اگر مؤلف این مقاله یکی از چند نظریه پرداز محدود انتخاب عمومی باشد که مسایلی که سپس بررسی خواهد شد را مسائل احتمالاً غیر واقعی بداند. کندورسه، بوردا، لابلاس و لويس كارول و در قرن بیستم، اقتصاددانان ریاضی مانند بلک و کنتارو^{۲۷}، مجموعه ای از مسائل ریاضی را کشف کردند که بسیار دشوار بود تا برای اثبات اینکه دموکراسی یک توهم است یا فریبکاری، پذیرفته شود. به طور کلی اگر فرض کنیم که همه افراد می توانند پیشنهاد های سیاسی گوناگون را تنظیم کنند، ایجاد یک رتبه بندی شخصی از بالا به پایین (که میان آلترناتیو هایی که مجاز شمرده شده است، بی تفاوت است) و اینکه این رتبه بندی ها از فردی با فرد دیگر تفاوت دارد (و در مجموعه ای از الگو های به دقت مشخص شده و به نسبت دور قرار نمی گیرد). در این صورت یکی از سه پدیده زیر، با هر نظام قابل تصویری از رای گیری می تواند تحقق یابد:

۱. چرخه بی پایان که در آن الف به ب ضربه^{۲۸} می زند و ب به ج ضربه می زند، سپس ج به الف ضربه می زند.

۲. نتیجه ای که بستگی دارد به ترتیبی که در آن به طرح های پیشنهادی گوناگون رای داده می شود. (در این ارتباط باید توجه داشت که اگر چنین باشد و مردم به طور کامل مطلع باشند رای گیری به این ترتیب رای گیری^{۲۹} دوباره ایجاد کننده همان مسئله است).

۳. وضعیتی که در آن انتخاب بین آلترناتیو الف و آلترناتیو ب بستگی به این دارد که آیا آلترناتیو ج (که خود هیچ شانس برنده شدن ندارد) به فرایند رای گیری وارد شده است یا وارد نشده است.

بیشتر قانونگذاران از رویه هایی پیروی می کنند که مورد تأثیر دومین حالت قرار دارد. اگر امکان مرتب کردن همه آلترناتیوها در یک بعد واحد وجود داشته باشد که در آن افرادی که یک نقطه بهینه دارند و ترجیحات آنها به طور یکنواخت کاهش می یابد هم چنان که شخص از آن نقطه بهینه در هر جهت (جهت واحد) دور می شود، سپس این مسئله اجتناب شده است. با تاعسف بیشتر انتخابها مستلزم سیاست هایی است که در بیش از یک بعد یا یکدیگر تفاوت دارند. و بنابراین نمی تواند در چنین پیوستار یک بعدی نمایش داده شود. علاوه بر آن رای دادن به آنها، یک جنبه در یک زمان، برای دومین مرتبه مسائل یاد شده را ایجاد می کند. با وجود این، فرض حداعلی واحد^{۳۰} (که اعتبار آن شاید ناشی از ناآگاهی رای دهنده است) به طور موفقیت آمیزی در بیشتر کارهای تجربی استفاده شده است. در حالی که هیچ تردیدی درباره صحت ریاضی اثبات قضایای یاد شده وجود ندارد، مسئله واقعی این است که آیا آنها اهمیت عملی زیادی در رای گیری دارند یا نه؟ با تاعسف این پرسش بسیار مشکلی است که پاسخ آن احتمال ندارد در آینده نزدیک یافت شود. به طور کلی هنگامی که این گونه مجموعه های رای گیری مانند مجلس نمایندگان را مشاهده می کنیم و نتایج را بررسی می کنیم دو امکان وجود دارد:

اول این است که نتیجه به طور کلی تصادفی است، یعنی موضوعات به ترتیبی مورد استقبال مردم قرار گرفته است. آن ترتیب تعیین کننده نتیجه رای گیری است و اعضای مجلس نمایندگان متوجه نمی شوند که

آنها می توانند در این صورت آن نتیجه را با تغییر دادن ترتیب، تغییر دهند ترتیبی که در آن به قضایا رای داده شده است این امکان دلالت بر آن دارد که خوش شانس نقش مهمی در دموکراسی ایفا می کند.

آلترناتیو آن این است که بگویم نتیجه توسط فردی که این وضعیت را می فهمد و کسی که بر دستور العمل کنترل دارد دستکاری شده است. رهبر اکثریت مجلس یا رئیس کمیته قواعد، گاهی اوقات به عنوان آن شخص پیشنهاد شده است. این موضوع دلالت بر آن دارد که ما واقعاً دیکتاتوری داشته باشیم که کاملاً پنهان است. به اعتقاد من دست نیافتن به قطعیت در نتیجه بواسطه وجود قضایای نظریه انتخاب اجتماعی^{۳۱} از نظر عملی بسیار کوچک است. بنابراین رئیس کمیته قواعد مجلس نمایندگان می تواند لایحه تخصیص بودجه^{۳۲} را به میزان برای مثال یکصد هزار دلار تغییر دهد، اما به میزانی که (با معین بودن اندازه این بودجه ها) به ویژه متناسب باشد.^{۳۳} در بین نظریه پردازان (مکتب) انتخاب عمومی به اعتقاد من، دیدگاه اقلیت است. هر چند اکثریت (نظریه پردازان مکتب انتخاب عمومی) به طور عمیق درباره این مسائل دغدغه دارند و تمایل دارند پیامدهای دیدگاه مطلوبیت دموکراسی به عنوان یک شکل از دولت را نادیده بگیرند. شواهد تجربی به روشنی نشان داده است که کنترل دستور کار^{۳۴} می تواند تا حدودی بر نتیجه اثر داشته باشد. البته قرار است این موضوع هیچکس را متعجب نکند. فرد نیازی به ریاضیات پیچیده رای گیری ندارد، برای درک این موضوع آن گروه از اعضای مجلس نمایندگان که در موقعیت کنترل کردن ترتیبی هستند که طبق آن رای گیری انجام می شود و دارای قدرت هستند، به طور مشابه کنترل اینکه چه قضایایی در عمل در برابر رای دهندگان مطرح می شود، می تواند اثر قابل توجهی بر نتیجه داشته باشد. با وجود این، نشان دادن اثر تجربی ناشی از کنترل دستور کار به طور جدی از قضایای مشخص یاد شده حمایت نمی کند. البته ما نمی توانیم بگویم که در نیافتن اثبات های صریح و روشن مبنی بر اینکه نتیجه در یک دموکراسی، به طور اساسی تصادفی یا فریبکارانه^{۳۵} است (هم چنان که کاربرد ریاضی در مورد رای گیری چنین نتیجه ای خواهد داد) اثبات می کند که چنین نیست. موضوع مشکل و ظریف است و در وضعیت کنونی دانش ها باید با تحقق بیشتر همراه شود. با اینکه ما همه به اعتقادمان پای بند هستیم که فرایند رای گیری ایجاد کننده یک نتیجه قابل پذیرش است، هر چند تحقیق ریاضی تردیدهای جدی را مطرح می کند.

نظریه بروکراسی: اکنون به نظریه بروکراسی می پردازیم، مرتبه دیگر تفکر انتخاب عمومی، انقلابی ایجاد کرده است. دیدگاه سنتی این بود که یا بروکراتها از فرامین افراد سیاسی بالاتر شان پیروی کنند یا به جای آن به سادگی آن چه درست است، انجام دهند. نظریه پردازان انتخاب عمومی در پی اثر تولاک (۱۹۶۵)، داونز^{۳۶} (۱۹۶۷) و نیسکانن^{۳۷} (۱۹۷۱) معتقد بودند که اینها گزاره های ویژه درباره انگیزه بروکراتها نیستند، هر چند تا حدودی بروکراتها تلاش می کنند از آنچه درست است مانند اطاعت از دیدگاه های افراد بالاتر شان را انجام دهند. به هر حال در جامعه های مدرن که قوانین نظام اداری^{۳۸} به همه امور پرداخته است اما برای مافوق ها، هم اخراج آنها و هم کاهش دادن حقوق شان ناممکن است، البته میزانی که در آن بروکراتها چنین مجبور می شوند، اندک است. علاوه بر آن در بیشتر دستگاه های اداری، قدرت یک صاحب منصب سیاسی برای پاداش دادن به زیردستان خود با ترفیع دادن به طور کامل محدود شده است.

تصمیم‌گیری برای ترفیع دادن تا میزان زیادی با توجه به قانون و روابط عمومی کنترل می‌شود، به‌گونه‌ای که یک مافوق مجبور می‌شود به شخصی که در عمل فکر می‌کند در سیاست او اختلال کرده است، ترفیع دهد.

در حالی که این ویژگی بیشتر ساختار دستگاه‌های دولتی مدرن است، هیچ قانون طبیعی وجود ندارد که بگوید دولت باید به این طریق سازماندهی شود. به‌طور سنتی مقامات رسمی بالاتر آزاد بوده‌اند تا این زیردستان (مرئوس‌ها) را ترفیع دهند، اخراج کنند یا تنزل مقام دهند. با این وجود، این واقعیت که مقامات رسمی بالاتر شاید نمی‌توانند متوجه شوند که در رتبه‌های پایین‌تر چه می‌گذرد، و این موضوع به معنای آن است که کنترل مقامات بالاتر به تدریج هنگامی که شخص از مقامش دور می‌شود و به پایین هرم مقام‌ها تنزل می‌یابد، کمتر می‌شود.

برای مثال در ایالات متحد روشن شده است که برای وزارت دفاع^{۳۹} امکان ندارد مشخصات کارمند دولتی^{۴۰} را بدانند که در پایین هرم قرار گرفته است و جایگاه سازمانی فردی را که می‌تواند در هواپیما با آماده کردن قهوه آلوده یک سانحه هوایی ایجاد کند و یا کارکنان هواپیما را بکشد این فرد نه اخراج شده حتی توبیخ شد. در واقع رونامه‌هایی که این داستان را گزارش کردند حتی نام او را یادآوری نکردند بلکه همه حملات بر وزارت دفاع متمرکز شد.

در ۱۸۷۰ یک عامل خرید نظامی که اشتباهی مانند این را انجام داد (و این موضوع در روزنامه‌ها منتشر شد) فقط مجبور شد در پی شغل جدیدی باشد. به‌طور کلی کارمند متوسط^{۴۱} در یک بروکراسی علاقمند به حفظ شغلش و ترفیع یافتن است و با این هدف می‌خواهد تا مافوق‌هایش را خشنود سازد. در نظام اداری گذشته که کارمند متوسط امنیت شغلی کمتری داشت و ارتقای شغلی‌اش فقط توسط مقامات مافوق تعیین می‌شد، فشار قابل توجهی بر کارمند متوسط تحمیل می‌شد. در شرایط کنونی با هر دلیل و هدفی، کارمند متوسط نمی‌تواند اخراج شود تا جایی که حتی ارتقای او در برابر مداخله سیاسی مقامات مافوقش تا حدودی حمایت می‌شود. این فشار بسیار کمتر شده است. با وجود این، حتی در یک شرایط متفاوت که در آن کارمند متوسط در واقع می‌خواهد مافوقش را خشنود سازد، این موضوع به ضرورت به فعالیتی منجر نخواهد شد که به سود عمومی منتهی شود. بلکه به موقعیت سیاسی آن حزب یا فردی که در آن زمان، آن بخش از دولت در کنترل او است بستگی خواهد داشت.

این کاهش کنترل، که در آن بیشتر آنچه توسط کارکنان رتبه پایین انجام می‌شود، به‌سادگی برای آنها که رتبه بالاتری دارند، ناشناخته است، ویژگی همه بروکراسی‌ها است. با وجود این روش‌های گوناگونی وجود دارد که توسط آن، رتبه‌های بالاتر می‌توانند تا حدی از آنچه توسط رتبه‌های پایین‌تر انجام می‌شود، آگاه شوند. بی‌تردید کارترین اینها به‌سادگی یک نظام حسابداری است. در یک شرکت خصوصی که انگیزه آن پول درآوردن است، روش مناسب و معقولی که به حسابها رسیدگی می‌کند. بررسی در مورد این است که کارکنان گوناگون رتبه پایین، برای تحقق هدف پول درآوردن چه نقشی دارند. با وجود این هنگامی این موضوع را در مورد دولت بررسی می‌کنیم، ترکیبی از مجموعه اهدافی داریم که یا مبهم هستند یا به روشنی مشخص نشده‌اند و با وضعیتی مواجه‌ایم که هیچ روش درستی برای اندازه‌گیری نقش هر فرد در آن اهداف وجود ندارد. در چنین شرایطی، کنترل بسیار کمتر است در یک ساختار نظام اداری^{۴۲} که

فرد از اعمال بیشتر قدرت کنترل مقامات مافوقش مجزاشود، موضوع حتی جدی‌تر می‌شود. موضوع این که آیا یک بروکرات بسیار کار می‌کند یا نه، خودش را برای کار کردن به خوبی آماده می‌کند یا نه، تا حد زیادی، موضوع انتخاب فردی است. به عنوان یک قاعده کلی افرادی که بسیار کار می‌کنند و خودشان را برای خدمت کردن بخوبی آماده می‌کنند افرادی هستند که در مورد اینکه دولت چه کاری باید در بخش ویژه آنها انجام دهد صاحب‌نظر هستند و برای تحقق آن بسیار کار می‌کنند. به عبارتی آنها به کار خود بسیار علاقمند^{۴۳} هستند. با وجود این باید گفت که سرگرمی آنها به‌طور معمول انگیزه تمایل آنها به تولید بیشتر آن محصولی است که فکر می‌کنند به سود عموم است. به عبارت دیگر، آنها معمولاً افراد با حسن نیتی هستند که می‌توان آنها را فقط در این زمینه مورد انتقاد قرار داد که نظر آنها در مورد مصلحت (خیر) عمومی می‌تواند با نظر مقامات مافوق‌شان منطبق باشد یا نباشد. اگر با نظر افراد مافوق‌شان منطبق نبود، این موضوع دلیل اشتباه آنها نیست و مافوق‌ها درست می‌گویند، اما این بدان معنا نیست که دولت آمادگی ندارد تا از سیاست هماهنگی پیروی کند. در زمان‌های گذشته، معمول بود. که وزارت خارجه ایالات متحد آمریکا^{۴۴} را کنفدراسیون نامنسجم از رؤسای قبایل^{۴۵} می‌نامیدند، این عبارت دیگر استفاده نمی‌شود، اما تا آنجا که می‌دانیم این به این جهت است که خود کنفدراسیون از بین رفته است. بروکرات‌ها به‌طور معمول چند انگیزه خصوصی دارند. البته یک انگیزه ساده این است که بسیار کار نکنند انگیزه‌های که به‌طور جدی بر افرادی که بسیار به کار خود علاقمند هستند، که بیشتر یادآوری شد، اثر نگذاشته است. انگیزه دیگر عبارت است از گسترش حوزه بخش مورد مسئولیت خود فرد و در فرایند انجام این کار، خواهان گسترش بخش مورد مسئولیت خود به موازات گسترش دیگر بخش‌ها است. سومین انگیزه عبارت است از بهبود مزایای جانبی^{۴۶} که همراه منصب ویژه‌ای است.^{۴۷}

توجه داشته باشید که منظور از طرح این مطالب، انتقاد از بروکرات نیست. ما انتظار داریم هر فردی که همان فرصت‌های بروکرات‌ها به او داده شود، دست کم همان کاری را انجام بدهد که بروکرات‌ها انجام می‌دهند. با وجود این نتیجه این است که بروکراسی‌های بزرگ گرایش به بزرگتر شدن دارند و در حالی که بزرگتر می‌شوند، گرایش دارند کمتر از سیاست‌های هماهنگ (منسجم) پیروی کنند و بیشتر سیاست‌هایی را اعمال کنند که توسعه یافته و در دسترس افراد پایین‌تر هم قرار گرفته است و در واقع گرایش دارد بسیار کار نکنند^{۴۸}.

این موضوع هنگامی تشدید می‌شود که بروکراسی‌ها بسیار بزرگ شوند، زیرا اعضای بروکراسی می‌توانند رأی دهند. علاوه بر آن، شواهد تجربی^{۴۹} نشان می‌دهد که آنها بیش از غیر بروکرات‌ها رأی می‌دهند. بنابراین درصد آنها در تعداد افراد رأی‌دهنده^{۵۰} تا حدی بیشتر از درصد آنها در جمعیت واقعی^{۵۱} است.^{۵۲}

بنابراین مافوق سیاسی^{۵۳} باید افرادی که به عنوان کارفرمایان برای او کار می‌کنند را تا حدی بجای کارکنانش به حساب آورد. او ممکن است نتواند آنها را اخراج کند، اما اگر آنها جمع شوند می‌توانند او را اخراج کنند. به‌طور کلی این نظام بخوبی طراحی نشده است و عملکرد بسیار خوبی ندارد.

تا اینجا ما درباره انتخاب عمومی و آنچه از آن آموخته‌ایم صحبت کردیم، اما درباره درس‌هایی که از ماهیت هنجاری (نورماتیو) انتخاب

عمومی به دست می‌آید برای مثال نظریهٔ تشکل‌ها^{۵۴} صحبت نکرده‌ایم. اکنون این موضوع را بررسی می‌کنیم.

همه دانشجویان انتخاب عمومی طرفدار اصلاحات یکسانی در همه زمینه‌ها نیستند. علاوه بر این برخی به‌طور مشخص نگفته‌اند که چه اصلاحاتی را آنها ترجیح می‌دهند، زیرا معتقدند هنوز به میزان کافی در زمینه فرایند ارائه پیشنهاد اصلاحات آگاه نیستیم. با وجود این چند قضیه بلکه قضایای کلی مانند روش‌های بهبود کارکرد دولت وجود دارد که بیشتر دانشجویان با آن موافقت. در مبحثی به این اختصار، ممکن نیست همه تفاوت دیدگاه‌ها و همه شرایط در حال تغییر بررسی شود و پیشنهادی برای اصلاح، ارائه شود. بنابراین خواننده نباید تصور کند که هر فردی که (مکتب) انتخاب عمومی را مطالعه می‌کند با همه قضایایی که در پی آن می‌آید، موافق است.

اگر از رأی‌دهنده شروع کنیم، هیچ دانشجویی انتخاب عمومی نظری در این مورد ندارد که چگونه اطلاعات رأی‌دهنده را کامل کنیم. در مورد موضوع رأی‌گیری برخی پیشنهادها برای ارائه بهتر روش‌های رأی‌گیری بوده است، اما حمایت گسترده‌ای برای اصلاحات ویژه وجود ندارد. به‌رغم این موضوع، فکر می‌کنم دست کم می‌توان گفت که بیشتر دانشجویان علاقمندند فردی که رأی می‌دهند را ببینند که رأی می‌دهند. بیش از آنچه آنها تاکنون انجام می‌دهند. همچنین دانشجویان طرفدار رأی‌گیری مستقیم‌تر در موضوعات، و مجالس^{۵۵} قانونگذاری با عضویت بیشتر (به گونه‌ای که ارتباط رأی‌دهنده و نماینده‌اش بیشتر باشد) هستند. درخواست مهم برای اعمال کنترل بیشتر بر مکانیزم رأی‌گیری مبتنی بر هیچ نظر نادرستی در این مورد نیست که رأی‌دهندگان به چه میزانی آگاهی دارند، بلکه این است که رأی‌دهندگان فقط افرادی در کل فرایند هستند

که عنصر انحراف سیستماتیک در فرایند تصمیم‌گیری‌شان ندارند. آنها ممکن است به‌طور نامطلوبی آگاه شوند، اما آنچه آنها می‌خواهند، رفاه خودشان است. رفاه شهروندان باید هدف دولت باشد. هنگامی که ما به دیگر بخش‌های دولت می‌پردازیم دست کم تضادهایی بین منافع مقامات و منافع افراد متوسط^{۵۶} بیابیم. افزایش کنترل افراد متوسط، به‌ویژه امکان ندارد کاربرد استفاده دولت از برخی تعاریف تجریدی کارایی را بهبود می‌بخشد. اما احتمال دارد دولت را بیشتر با نیازهای افراد معمولی^{۵۷} منطبق سازد، یعنی ما را اندکی به هدف قاعدهٔ همگانی^{۵۸} (عامه‌پسند) نزدیکتر می‌کند آنچه دموکراسی بر مبنای آن است. افرادی که طرفدار

قاعده عامه‌پسند نیستند این موضوع را مطلوب نمی‌دانند اما چند نخبه‌گرا^{۵۹} در بین دانشجویان انتخاب عمومی وجود دارد. رویه‌های تصمیم‌گیری واقعی استفاده شده در مجالس قانونگذاری به‌طور گسترده‌ای مورد بررسی قرار گرفته است و برخی اصلاحات گسترده پیشنهاد شده است.

اول: بسیاری علاقمندند دست کم یک مجلس قانونگذاری داشته باشند که توسط نمایندگان متناسب^{۶۰} انتخاب شده باشند.

دوم: مباحث بوکانان و تولاک در "حساب رضایت (موافقت)"^{۶۱} (۱۹۶۲) برای نظام و مجلس قانونگذاری^{۶۲} عموماً پذیرفته شده است. پیشنهاد دیگر در آنجا مبنی بر اینکه بیش از یک اکثریت ساده برای بیشتر قوانین مطلوب است به ندرت به‌طور مستقیم مورد انتقاد بوده است، اما به‌طور گسترده تأیید نشده است. این استدلال که الزام بیشتر از اکثریت، ساختار فرایند زوبند (نان به هم قرض دادن) پارلمانی^{۶۳} را به طریق مطلوبی تغییر خواهد داد و به ندرت به‌طور مستقیم مورد انتقاد بوده است، اما اثر نامتقارن چنین قاعده‌ای (یعنی وضع موجود^{۶۴} حفظ می‌شود مگر آنکه اکثریت حمایت شده‌ای بتواند ایجاد شود تا آن را تغییر دهد) برخی افراد را رنج می‌دهد.^{۶۵}

در مورد بروکراسی، توافق بیشتری در زمینه اصلاحات وجود دارد. **اول:** اینکه بروکراسی باید به‌طور جدی مورد کنترل رهبران سیاسی باشد، به نظرم به‌طور کلی پذیرفته شده است. خطر این اقدام، مشخص است - اماروش‌های گوناگونی وجود دارد که در آن مقامات بالاتر می‌توانند قانون به نظم درآوردن کارمندان دولت را اعمال کنند در حالی که هنوز قدرت‌شان برای استخدام خویشاوندان‌شان در دستگاه دولتی در حال کاهش است.

مجزا از چنین پیشنهادهای مستقیم برای تغییر ساختار پرسنل، روش‌های دیگری برای کنترل دولت وجود دارد.

اول، ایجاد رقابت در نظام اداری است. در حال حاضر، نه فقط بیشتر بخش‌های دولتی در اقدام‌هایی که انجام می‌دهند، انحصار دارند، بلکه تقریباً هر پیشنهادی برای افزایش کارایی دولت به شکل حذف رقابت اندک است. رقابت بین بخش‌های دولتی باید بیشتر شود، نه آنکه مانع رقابت شویم. سرانجام امکان‌پذیر است بین شرکت‌های دولتی با شرکت‌های غیردولتی قرارداد منعقد شود،^{۶۶} یا آنها را به‌طور کامل به بازار منتقل سازد.

این اقدامات بیشتر هزینه فعالیت دولت را کاهش می‌دهد. با وجود این چند شرکت خصوصی که در مناقصه خدمات دولتی شرکت می‌کنند، بهتر می‌توان مشاهده کرد که در سطح عینی^{۶۷}



- 26. Popular rule
- 27. Kenneth Arrow
- 28. Abating B
- 29. Voting on the Order of Voting
- 30. Single Peak
- 31. Social Choice Theory
- 32. Appropriation bill

۳۳. ن. ک: تولاک، ۱۹۶۷.

- 34. Fraudulent
- 35. Agenda
- 36. Downs
- 37. Niskanen
- 38. Civil Service Legislation
- 39. Secretary of Defense
- 40. Civil servant
- 41. Average Employee
- 42. Civil Service
- 43. Hobbyists
- 44. U.S Department of State
- 45. A Loose Confederation of Tribal Chieftains
- 46. Perks

۴۷. (ن. ک: میگو و بلاگور، ۱۹۷۴).

۴۸. (ن. ک: بنت و اورزچوسکی، ۱۹۸۳).

۴۹. ن. ک: نیت و اورزچوسکی، ۱۹۸۳).

- 50. Voting Population
- 51. Actual Population

۵۲. (فری و پومرن هه، ۱۹۸۲).

- 53. Political Superior
- 54. Theory of Constitutions
- 55. Systematic Bias
- 56. Average Man
- 57. Common Man
- 58. Popular Rule
- 59. Elitists
- 60. Buchanan
- 61. Proportional Representation
- 62. The Calculus of Consent
- 63. Log-rolling
- 64. Status Quo
- 65. Offend
- 66. Contract Out
- 67. Concrete Level
- 68. Improvements

افرادی که (نظریه) انتخاب عمومی را مطالعه می کنند می توانند پیشنهادهای بیشتری برای اصلاحات درون ساختار بروکراتیک ارائه کنند، در مقایسه با بخش های سطح بالاتر دموکراسی که رای دهندگان، مجلس قانونگذاری را کنترل می کنند و در این صورت مجلس (قوه مقننه) و قوه مجریه بروکراسی را کنترل می کنند. این موضوع موجب تأسف است، اما عجیب نیست. با وجود این پیشنهادهایی برای بهبود کل ساختار دولت وجود دارد و به مرور زمان امید بدان وجود دارد. روش های بیشتر برای انجام اصلاحات و همچنین شواهد علمی بهتری وجود دارد که اصلاحات ۶۸ در واقع اصلاحات هستند.

(مکتب) انتخاب عمومی یک رویکرد رادیکال و جدید به دولت است، اما بنیادهای محکم آن در روش شناسی اقتصادی به معنای آن است که ما اطمینان بیشتری به درستی آن در مقایسه با بیشتر ایده های جدید داریم. علاوه بر این، اکنون از نظر تجربی نظریه انتخاب عمومی به طور کامل آزمون شده است دولت راهکار برخی مسائل است و منشاء ایجاد برخی مسائل دیگر است. (مکتب) انتخاب عمومی نشان دهنده تعهد بیشتر ما برای کاهش بیشتر مشکلاتی است که اکنون با دولت دموکراتیک داریم.

پی نوشت ها:

1. Condorcet
2. Borda
3. Laplac
4. Lewis Carroll
5. Duncan Black

۶. ن. ک: به عنوان مثال بلک، ۱۹۵۸.

7. Entrepreneur/businessman
8. General Motors
9. Public good
10. Worthy causes
11. Minor
12. Machiavelli
13. The prince
14. Constitutions

۱۵. ن. ک: داونز، صص ۷۸-۲۰۷، ۱۹۵۷.

16. Avocation

۱۷. ن. ک: تولاک، صص ۱۱۴-۱۰۰، ۱۹۶۷.

18. Common cause
19. liberty lobby
20. General mystique
21. House of Representatives
22. As bad as
23. House of commons
24. Electors
25. Public positions

منبع:

by: Gordon Tullock